



ماهنامه شهیاد - شماره ۷۴

پروانه وزارت کشور شماره ۲۱۲۹

سر دبیر و مدیر مسئول: میخائل پنحازی

عضو اتحادیه سردبیران و خبرنگاران اسرائیل

تلفن/فکس: ۰۳۳۸۵۰۳ پلن: ۰۵۱-۲۰۸۸۵۰، ۰۵۸-۳۶۳۴۹۱

صندوق پستی ۱۲۳۴ خولون ۵۸۱۱۲

שהיאד - גליון 74

רשיון משרד הפנים מס. 2129

מו"ל: פנחסי קז הפקות * עורך ראשי: פנחסי מיכאל

טל/פקס. 03-5038503

פלאפון: 058-363491, 051-208850

ת.ד. 1234 חולון 58112

سایت اینترنت (כתوبتینو באינטرنט): web. address:

www.shahyad.cjb.net

پست الکترونیکی (دوار اלקسترونی): e-mail:

penhasi@yahoo.com

אין המערכת אחראית על תוכן המודעות

כל הזכויות על עיצוב גרפי של המודעות שמורות למערכת

* مسئولیت تنظیم متن آگهیهای مندرج با هیات مدیره نمیباشد
* مطالب رسیده از خوانندگان برایشان پس فرستاده نخواهد شد
* شهیاد در اصلاح، حک و کوتاه کردن مقالات رسیده خود را مجاز میدانند.

* مقالات وارده صرفاً عقیده نویسنده بوده و چاپ آن دلیل بر تائیدش از سوی مجله نمیباشد.

* شهیاد از چاپ مقالات و مطالبی که با اصول اخلاقی، امنیت و منافع ملی مغایرت دارند، معذومیباشد

* حق چاپ، تکثیر، تقلید، فوتوکپی و استفاده از طراحی

آگهیها بدون اجازه کتبی از دفتر مجله حتی برای آگهی دهندگان ممنوع میباشد.

* استفاده از مقالات با ذکر شهیاد مجاز است

* شهیاد در انتخاب و چاپ مطالب رسیده و آگهیها مجاز است

* از چاپ مطالب رسیده که نام و یا نشانی فرستنده آن ذکر نشده معذوریم. اگر مایل باشید نام فرستنده محفوظ خواهد ماند.

هر کدام از ما ۱۵ دلار داده بودیم دیگر کرامات حاتم طائی زمانه را هم لازم نداشتیم و میتوانستیم گلیم خود را تنها از آب بیرون بکشیم و مهمتر از آن اینکه جامعه سردر گم ما برای ساماندهی خود نه ۳ میلیون دلار نیاز دارد و نه کمک هیچ قسیم و لله ای. کار ما درگیر یک جو همت است و یک سر گندم غیرت.

ما که با همت خود این مجله را با کم و زیاد و دیر و زودش چاپ میکنیم، شما هم همتی کنید تا گلویان را بیش از این بیخ نزنند.

سر دبیر

گوسفندهای ما را هم سر بیدند

میدانم که تاخیر اینبار در انتشار مجله به هیچ وجه قابل توجیه نیست ولی چه میشود کرد که به هر حال در کشوری زندگی میکنیم که تمامی معیارهای زندگی و اجتماعی آن با دیگر کشورها متفاوت است و از اینرو يك ماهنامه فارسی زبان هم با تاخیر ۴ الی ۵ ماهه منتشر میگردد. البته همه تقصیرات هم بگردن من بیچاره نیست هر چند که نمیخواهم از مسئولیت هم شانه خالی کرده باشم. خدا و کیلی باید ۳۰ درصد مسئولیت را به حساب خود ۳۰ درصد را به حساب مشکلات فنی و اداری (شامل اسباب کثی به دفتر جدید و نیز اشکالات فنی در دستگاههای ما) و بالاخره ۴۰ درصد را بحساب آگهی دهندگان عزیز بگذاریم تا جانب حق رعایت شده باشد. ولی باور کنید يك درصد هم باید برای شما هموطنان عزیز ثبت میشد که بخاطر گل روی ماهتان من خودم آنرا بعهده گرفتم و نتیجه آن شد که امروز می بینید. شهیاد دوباره از رنگ و رو افتاد و فقط برای حفظ آبروی خود و جامعه اش در هفتاد و چهارمین شماره اش بچاپ رسید. چرا که فکر کردیم حالا که آگهی نیست، بیکاری غوغا میکند و هزینه ها هر روز بالا میرود، بهتر است از توقعات بکاهیم و با همین چاپ ساده و معمولی صورت خود و جامعه مان را با سبلی سرخ نگه داشته باشیم. هر چند مشکل ما آگهی است ولی خدا را شکر جامعه ما از لحاظ پولی که کم و کسری ندارد و تنها مشکل آن همان سران و سازمانهای هستند که بحمدالله شخص خیری نیز راضی شده با پرداخت ۳ میلیون دلار مشکلات همه را یکروزه حل کرده و در واقع جامعه ما و سازمانهای ما را کمپلت در يك کیسه بخرد و بوضعمان سروصورتی تازه بدهد و تنها شرط او تک سازمان شدن جامعه ایرانی است، و گرنه "پول و مول یوخذ".

باز خدا و کیلی از این پول کلان که يك سکه سیاهش هم به جیب بنده نمیرود، با يك حساب ساده میتوان فهمید جامعه ۲۰۰ هزار نفری ما را مثل يك گله گوسفند به حراج گذاشته اند و همه ما را به راسی ۱۵ دلار معامله کرده اند و بزودی هم سر همه را بیخ تا بیخ میبرند زیرا خود آقایان میدانند که چطور باید قباي این ملت را برید و دوخت و پوشید و پاره کرد. اصلاً به ما چه که در کشور دموکراسی زندگی میکنیم و گویا هر کس حق دارد برای آینده خود و یا تعیین رهبرانش در انتخابات شرکت کند چون بیخود هم نباید سنگ این مردم را به سینه زد، زیرا صبح تا شب فقط برایشان کسب و کار مهم است و دیگر هیچ. باز با يك حساب سرانگشتی پی بردیم که اگر



"سازمان ایران ما"

(اولین و تنها سازمان سلطنت طلب در اسرائیل)



خجسته ایام چهار و نهم آبان، زادروز ولادت
اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی (آریامهر)
و اعلیحضرت رضاشاه دوم (سیروس)

را بعموم هم میهنان عزیز تبریک عرض مینمایم

وقت اینها می خواهند همدیگر را خنثی کنند؟

هموطنان عزیز، مسائل مطرح شده بالا، قطره ایست از اقیانوس که بعلمت کمبود جا فعلا به همین يك قطره اکتفا می نمائیم تا موقعیتی بعد که باز فلاکت مردم ایران را از زیر زره بین نشریات داخل ایران بررسی نمائیم.

دو کلمه هم از ملانصرالدین معاصر

جناب حجت الاسلام غلامرضا حسنی (ملا حسنی) امام جمعه رضائیه و نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی حتما معرف حضورتان هستند. ایشان که از لحاظ فضل و دانش روی هر چه الاغ و قاطر جهان را سفید کرده و سطح هوش و ذکاوتش از لحاظ HQ از يك موش صحرائی هم کمتر است، در خطبه های نماز جمعه خود بلبل زبانی های جالبی دارد که چند مدتی است موضوع بحث محافل خبری جهان شده است. ملا حسنی یا بنام دیگر ملانصرالدین معاصر ما، در همه مسائل به سخنرانی میپردازند و از سیاستهای پیچیده جهانی تا مسئله سگ های ایران را در این خطبه های خود مورد بررسی قرار میدهند. به چند مورد از گفته های جاودانی ایشان توجه فرمائید:

روزنامه حیات نو از تهران گزارش میدهد: "حجت الاسلام حسنی گفت: "بنابه اظهار نظر بعضی بقیه در صفحه 10



مکافات پشت مکافات

با تمام سانسورهای موجود در جمهوری اسلامی گاهی اوقات افشاح حاکم بر سرزمین مان به حدی بجوش میرسد که از سر دیگر هم سر میروند و در لایلای صفحات نشریات وابسته و یا دست بسته رژیم هم میتوان آنها را مشاهده نمود. در اینجا به چند مورد کوتاه از مشکلات اجتماعی ایرانیان مقیم میهن به نقل از ستون نامه های نشریه "ایران" اشاره می نمائیم:

از قدیم گفته اند "تو نیکی میکنی و در دجله انداز...". ولی انگار در جمهوری اسلامی این عمل بازده معکوسی دارد. به این نامه از روزنامه ایران توجه فرمائید:

مطلبی را در روزنامه ایران مطالعه کردم در مورد خانمی که از پل سقوط کرده بود و راننده تاکسی و يك عابر به او کمک کردند و متاسفانه تا زمانی که آن دختر به هوش بیاید آن دو شخص امدادگر تحت بازداشت بودند، حال اگر این دختر چیزی به یاد نمی آورد وضعیت این دو امدادگر به چه صورت می شد؟ چرا هنوز قانونی در مملکت ما مدون نیست که بتوانیم امداد انجام دهیم.

از جمله قول و وعده های ملایان شورشگر در اوایل انقلاب اهدای استقلال و آزادی به مردم ما بود. ولی نه تنها استقلال و آزادی ما هم گرفته شد بلکه می بینیم که حداقل امنیت نیز از مملکت پرکشیده و رفته است. چند تن از مردم با تلفن به دفتر روزنامه ایران، این مشکل خود را این چنین مطرح کرده اند که: از نیروی انتظامی و مسئولین تقاضا داریم در خصوص مشکل ناامنی خانها در جامعه تدبیری بیاندیشند، واقعا تکلیف در مورد ناامنی زن و بچه مردم که بخاطر کلاس، دانشگاهها و یا شغلشان مجبورند بعد از تاریک شدن هوا در خیابان باشند، چیست؟

هفته پیش رئیس جمهور اسلامی در مصاحبه مطبوعاتی خود در اسپانیا در جواب خبرنگاری که سئوالی در مورد يك طرح از او کرده بود جواب داد این مسئله در مرحله لایحه قرار دارد. یعنی دیگر جای بحث و سئوال نیست. ما نیز جستجو کردیم که بفهمیم لایحه در جمهوری اسلامی چه معنی ای دارد و جواب خود را در این نامه يك هم وطن به روزنامه ایران یافتیم که:

آخرین این هم شد کار، وقت و پول مملکت صرف میشود، نمایندگان طرح و لایحه تصویب می کنند. شورای نگهبان رد می کند، کاری نداریم که کدام يك درست می گویند ولی تکلیف این مردم و مملکت چیست؟ تا چه

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

به نقل از مطبوعات، رجال سیاسی و کتب تاریخی

تهیه کننده: ب. بوستانی

یادداشتهای رضاشاه

با شورشیها روبرو شدیم در چند معرکه که مهمترین آنها در کنار رود صفی رود بود پیکار سخت کردیم ساعات متوالی با دشمن در جنگ بودیم و باران بر سر ما چون ناودان میبارید. لشکر را بشات و پافشاری دلداری میدادم ولی تاب توانای بشری حدودی دارد. تا آخرین گلوله که در اختیار داشتیم جنگ را ادامه دادیم ولی یقین کردیم که مقاومت بیش از این نتیجه ندارد، پنج روز در گل و لای گیلان گرفتار بودیم و گلوله های دشمن چون باران بر ما میبارید و ما یک گلوله توپ نداشتیم که جواب آنها را بدهیم. از تهران کمک طلبیدم ولی خواب و غفلت تهران بقدری سنگین بود که یادی از ما نکرد، و احدی ب فکر ما نبود، جنگ را در این عرصه باختیم ولی افراد لشکر تابعه خود را نگذاشتیم مایوس و متفرق شوند بقیه را که چهار هزار نفر بودند با نظم و ترتیب بقزوین رساندم. حکومت شوروی انقلابی با قائد شورش میرزا کوچک خان نزدیک شده عقد اتفاقی با او منعقد ساخته از



مواد عمده معاهده این بود که میرزا را بر استیلای مناطق شمالی مساعدت کنند با این ترتیب حکومت روسیه بلشویکی برای مرتبه دوم در قرن بیستم نقاط شمالی ایران را در دایره نفوذ و استیلای خود درآورد. از قزوین به تهران با تلفن تماس گرفتم و نتیجه اسف انگیز جنگ را خبر دادم و به این سیاست غلطی که در پیش گرفته اند آنانرا ملامت کردم، پرسیدند راه حل چیست گفتم تنها راه حل این مشکل این است که مرا بفرماندهی عام بر واحدهای قزاق با اختیارات کامل انتخاب کنید تا من صلاحیت هر گونه اقدامی را که صلاح بدانم داشته باشم، تهران این

پیشنهاد را پذیرفت و من بالباس رسمی فرماندهی ممتاز با زرق و برقیکه جز براندام فرماندهان روسی ندیده بودند وارد قزاق خانه قزوین شدم آنها را صف بندی کردم نطقی به اینصورت ایراد نمودم:

اطاعت از مافوق اولین وظیفه افراد این فرقه است که باید مثل يك امر واجبی به آن ایمان داشته باشید.

باید تمام اوامر و دستورهای مرا بدون تردید بپذیرید یکدل و یکجهت در اطاعت من که حد و پایانی نخواهد داشت متفق باشید.

در برابر این اطاعت شما من هم مسئولیت بزرگی را بگردن میگیرم و آن بستگی و علاقمندی بزنده بودن شما و زندگانی شما و معاش و گذران شماست، هر خطائی از نقشه من سر بزند گناه او بگردن شما نیست. بلکه من همه را بگردن میگیرم، در پیشگاه عالم و پیشگاه تاریخ تنها من مسئول هستم و بس. من تنها کسی هستم که در صورت خطا، شاه بدست خود طناب بگلولی من بیندازد و در مقابل صف در میدان طهران مرا بدار بکشد. این نطق اثر خود را بخشید، افراد لشکر من با حسن قبول پذیرفتند سوگند وفاداری و اطاعت یاد کردند که تا دم مرگ و آخرین نفس در رکاب من باشند. □



* تا سه چهار سال پیش فقط دفاع از خلیج فارس در اندیشه من بود ولی رویدادهای جهان ما را وادار کرد در نظرات و نقشه های خود تجدید نظر کنیم.

(بنیاست چهلمین سالروز تاسیس نیروی دریایی شاهنشاهی ۱۵ آبان ۱۳۵۱)

* این مملکت ممکن نیست در مقابل زور تسلیم شود. کلمه تسلیم دیگر در فرهنگ نظامی ایران وجود ندارد.

(در مراسم جشن پایان تحصیلی دانشکده پدافند ملی - ۱ مهر ۱۳۵۱)

* اگر جنگی روی دهد آن جنگ جنگ میهنی است و همه از زن و مرد و بزرگ و کوچک در آن شرکت خواهند کرد.

(در مراسم جشن پایان تحصیلی دانشکده پدافند ملی - ۱ مهر ۱۳۵۱)

* رشد اقتصادی ایران در جهان اول است.

(در مراسم گشایش مجلسین - ۱۵ مهر ۱۳۵۱)

کارشناسان اتمی در انفجار و واژگون کردن ساختمان چند ده طبقه تجارت جهانی و پنتاگون آمریکا "اتم" به کار رفته است.

حجت الاسلام غلامرضا حسنی امام جمعه ارومیه در خطبه های نماز جمعه این هفته این شهر افزود: "اتم" انواع و اقسامی دارد. یکی آنست که در ژاپن منفجر کردند به چندین نسل سرایت می کند، دیوانه می شوند و معیوب مغزی می شوند، الی آخر... یکی هم برای تخریب است... وی افزود: اگر ما تمام هوایماهای اسرائیل را همین جوری بیاوریم و آنها با نوك شان به همان

ساختمان ۱۱۰ طبقه بزنند، همه شان روی هم انباشته می شوند و ده سانت هم به آن ساختمان تاثیر نمی گذارد.

وی گفت: این نوع اتم هم در اختیار مسلمانان دنیا، جناب آقای بوش همان طور که می دانید قرار ندارند حتی بن لادن هم فاقد آنست. تازه؟ چرا؟ همان روز حادثه حدود چهار هزار نفر از صهیونیست ها که کارمند آنجا بودند در ساختمان حضور پیدا نکردند؟! این چیه؟ البته ده دوازده نفر بنابه برخی گزارش ها بودند... این چهار هزار نفر سر کار خود نرفتند چرا از علل آن بحثی مطرح نیست؟ کی به اینها گفته بود که نروید!..

ها؟! اگر چنین است؟ شما دنبال سند هستید بالاتر از این سند کجا برای شما معتبر است؟ بنابه بعضی گزارش ها آقای بن لادن با مادرش یا نامادری اش تلفنی صحبت کرده شما وسیله استراق سمع او را متهم کرده اید ولی چقدر تلفن به این چهار هزار نفر که به آنجا نرفته اند و سرکار نرفته شده، پس استراق سمع شما اطلاعات وسیع شما، آواکس های شما، موساد شما، کجا بودند؟ چرا برای این چهار هزار نفر استراق سمع نشد؟ ولی برای بن لادن و نامادری اش یا مادرش شد؟ بله؟! این کار کار اتمی است چرا؟! این اتم خودتان هم می دانید غیر

از آمریکا در کشورهای دیگر وجود ندارد.

همین ملا حسنی دو سال پیش در یکی از نماز جمعه ها زنان را به ۳ دسته تقسیم کرده بود. او گفت گروه اول زنانی بی حجاب هستند که مانند اتوبوسند یعنی هر کس میتواند سوار آنها بشود. دسته دوم زنانی که حجاب بدون چادر دارند و معمولاً مانند به تن می کنند و روسری به سر دارند. آنها مانند تاکسی هستند که فقط افراد مشخصی را سوار می کنند و بالاخره زنهایی مانند زن امثال بنده که مثل الاغند که فقط يك نفر می تواند از آنها سواری بگیرد...